

نه گوش کنم و نه بشنوم!

روزی مرحوم آیت الله حاج سیدمهدی شیرازی و مرحوم آیت الله حاج سیدحسین قمی در مجلسی نشستند. مردی نزد مرحوم آیت الله قمی آمد تا مسأله‌ای بپرسد و چون مسأله مربوط به اختلاف او با دیگری بود، شروع به بیان احوال او نمود.

مرحوم شیرازی خارج شدند. پس از بازگشت، آقای قمی علت ترک مجلس را جویا شدند؛ آقای شیرازی فرمودند: این مرد قضیه‌ای را تعریف می‌کرد که دادخواهی نماید و از خلال آن، حکم و تکلیف شرعی خود را بپرسد، شما هم می‌باید مطلب را می‌شنیدید تا بتوانید حکم را بیان فرمایید، پس این شنیدن و گفتن از مُستثنیات^۳ غیبیت بود و حرام نبود.

اما شنیدن من جایز بود. پس مجلس را ترک نمودم تا نه گوش کنم و نه بشنوم.^۴

۱. میان گوش کردن و شنیدن تفاوت‌هایی است. گاهی مطلبی به گوش فردی می‌خورد و او به آن دقت نمی‌کند و توجهی ندارد اما گاهی انسان به مطالب گوش می‌کند و برای فهم آن هوش و حواس خود را جمع می‌کند. این ترجمه‌ی همان دو کلمه‌ی «سمع» و «استماع» در عربی است.

۲. میان

۳. استثنائات

۴. شیرازی، سید صادق. انواری از حیات الهی. مؤسسه‌ی انتشاراتی امام عصر علیه‌السلام. چاپ اول ۱۳۸۳